

جغرافیای تاریخی شهرستان خوسف

تاریخ دریافت: ۱۳۹۳/۱/۲۰

تاریخ پذیرش: ۱۳۹۳/۳/۱۴

اکرم ناصری^۱

بشری دلریش^۲

چکیده

خوسف یکی از کهن‌ترین آبادی‌های استان خراسان جنوبی است. خوسف قبل از اسلام از جمله سکونت‌های دوران باستانی، اشکانی و ساسانی بوده است. این منطقه همچنین به دلیل موقعیت جغرافیایی خاص خود که از یک سو بر سر راه شهرهای مختلف قرار داشته و از سوی دیگر، دارای آب و هوای مناسب و حاصلخیز بوده، مورد توجه حکومت‌های وقت قرار داشته است. این شهرستان در گذشته ویژگی‌های لازم جهت یک شهر را دارا بوده است؛ به طوری که بافت شهری، قلعه کهن، مرکز مسکونی متراکم، محصولات کشاورزی فراوان و بازرگانی پر رونق در مراکز دادوستد ثابت و سیار، تأثیری مهم در تبادلات پولی و جنسی منطقه داشته است. باید گفت اگر چه تحقیقات ارزشمندی در خصوص بیرجند و جغرافیای تاریخی این منطقه انجام شده؛ اما در خصوص جغرافیای تاریخی خوسف تاکنون تألیفی مستقل تدوین نشده است. لذا این نوشتار بر آن است که با روش تحقیق تاریخی و با تکیه بر اسناد و داده‌های تاریخی با هدف شناساندن موقعیت جغرافیایی، تاریخی، اقتصادی و فرهنگی شهرستان خوسف و اهمیت این منطقه در بستر تاریخ و جغرافیا به بررسی جغرافیای تاریخی این منطقه بپردازد.

واژگان کلیدی: خوسف، جغرافیای تاریخی، طوایف

مقدمه

جغرافیای تاریخی، سیر تحولات و تغییرات تاریخی یک ناحیه یا منطقه‌ای را در بستر جغرافیا و در گذر زمان مورد بررسی قرار می‌دهد. با توجه به گستردگی مبحث جغرافیای تاریخی، هر موضوع آن می‌تواند مبنای یک کار مستقل و گسترده تحقیقاتی به حساب آید. در واقع، محقق جغرافیای تاریخی باید بین خود و منابع اصلی حوزه جغرافیایی مورد مطالعه، پلی برقرار سازد تا بتواند از طریق آن، بین گذشته و حال ارتباطی صحیح و منطقی ایجاد کند. باید اشاره کرد که هر چه این پیوند محکم‌تر باشد، تأثیرات سازنده آن در اعتبار، ایجاد هویت و شناخت امکانات و استعدادهای جمعیت ساکن در حوزه جغرافیایی مورد نظر بیشتر خواهد بود.

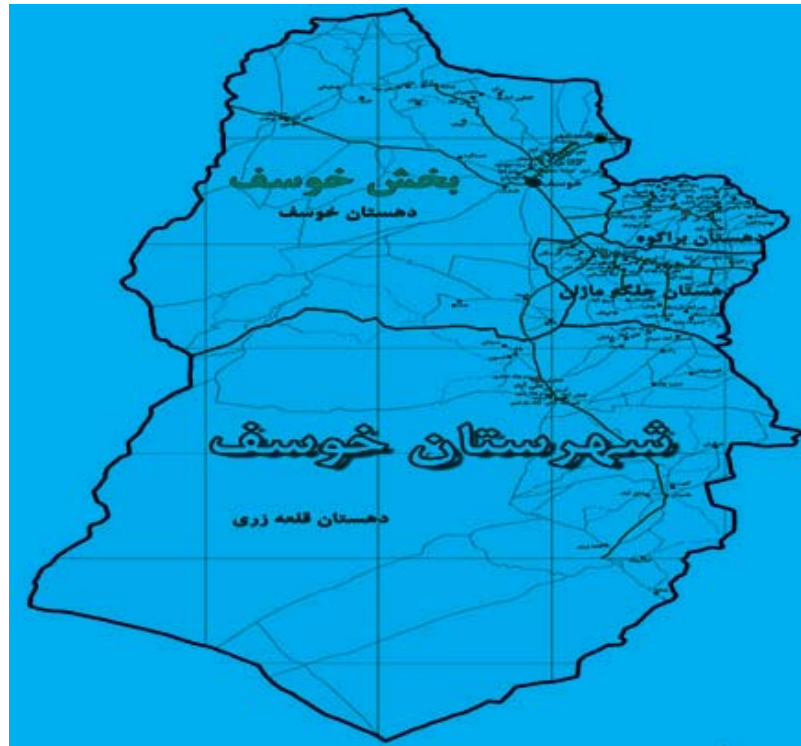
خوسف از جمله قدیمی‌ترین آبادی‌های استان خراسان جنوبی است که از سابقه‌ای طولانی برخوردار است. بافت شهری، وجود حرفه‌های متنوع، زندگی سامان یافته با سنت‌های ملی، شکوفایی فرهنگی، ظرفیت‌های طبیعی و صنعتی، وجود رودخانه جهت شرب و کشاورزی و وجود امکانات لازم جهت دادوستد کالا، خود گواهی بر ظرفیت‌های بالقوه در این شهرستان بوده است. علاوه بر این، هنوز مکان‌هایی چون پایاب میان شهر، محله میان شهر، جوی میان شهر و آسیای میان شهر وجود دارد که در گذشته نیز نام شهر را برای خوسف مسجل می‌کرده است. رشد حکومت‌های محلی در این منطقه، در طول تاریخ نشان از آن دارد که خوسف از نظر جغرافیایی در محدوده مطلوبی قرار داشته که طوایف و اقوام تأثیرگذاری را در خود جای داده است. لذا با توجه به ظرفیت‌های موجود در این منطقه، در مقاله حاضر تلاش شده تا جایگاه تاریخی خوسف در گذشته و توانمندی‌های این منطقه در ابعاد مختلف تاریخی، جغرافیایی، فرهنگی و اقتصادی از منظر جغرافیای تاریخی مورد بررسی قرار گیرد.

انگیزه اصلی نگارندگان در انتخاب موضوع جغرافیای تاریخی شهرستان خوسف از این جهت است که اگرچه در خصوص جغرافیای تاریخی بیرجند تحقیقاتی صورت گرفته، اما در زمینه جغرافیای تاریخی خوسف پژوهشی مستقل انجام نشده است. لذا ضرورت انجام چنین پژوهش‌هایی آشکار می‌گردد. روش پژوهش حاضر با استفاده از منابع کتابخانه‌ای، مصاحبه میدانی و اسنادی می‌باشد. لازم به ذکر است که یکی از دشواری‌های این کار

تحقیقی علاوه بر کمبود منابع، جدیدالتأسیس بودن این شهرستان بوده است. لذا از این حیث، آماری دقیق مربوط به شهرستان خوسف در هیچ یک از نهادهای اجرایی از جمله استانداری خراسان جنوبی و فرمانداری شهرستان خوسف و حتی وب‌گاه‌های معتبر آماری کشور و استان یافت نشد.

جغرافیای کنونی

شهرستان خوسف یکی از شهرستان‌های غربی استان خراسان جنوبی است. خوسف در ابتدا یکی از بخش‌های شهرستان بیرجند بوده که در شهریور ۱۳۹۱ با تصویب مجلس شورای اسلامی به شهرستان ارتقاء یافت. این شهرستان در طول جغرافیایی ۵۲ درجه و ۵۸ دقیقه و عرض جغرافیایی ۴۷ درجه و ۳۲ دقیقه واقع شده است. خوسف از شمال به شهرستان سرایان، از شرق به شهرستان بیرجند و سربیشه، از جنوب به شهرستان نهبندان و استان کرمان و از غرب به شهرستان طبس محدود است. مساحت شهرستان ۱۶۰۲۹ کیلومتر مربع است که معادل ۱۶/۸ درصد از مساحت کل استان خراسان جنوبی را به خود اختصاص داده است. شهر خوسف در ۳۶ کیلومتری جنوب غرب بیرجند قرار دارد. ارتفاع متوسط شهر خوسف از سطح دریا ۱۲۹۰ متر می‌باشد که البته این میزان در همه جا یکسان نیست. خوسف دارای دو بخش مرکزی و ماژان و پنج دهستان به نام‌های خوسف، خور، ماژان، براكوه و قلعه‌زری می‌باشد (استانداری خراسان جنوبی، دفتر آمار و اطلاعات، ۱۳۹۱: ۴۷).



موقعیت آبادی‌های شهرستان خوسف

جغرافیای طبیعی

در خصوص اهمیت جغرافیای خوسف باید گفت، زمانی که قسمت اعظم اروپا از توده یخ پوشیده شده، کویر مرکزی که در غرب قهستان (خوسف) قرار دارد، دریاچه وسیعی بوده که رودهای بسیاری از ارتفاعات به آن سرازیر می‌شده است به طوری که بقایای بسیاری از آبریزان گذشته را می‌توان در نواحی میغان و نایبند قهستان مشاهده کرد. ولی تغییرات آب و هوایی که از حدود ده هزار سال تا پانزده هزار سال قبل از میلاد آغاز شده که هنوز نیز ادامه دارد، باعث شده که کویر در این منطقه شکل بگیرد (گیرشمن، ۱۳۴۹: ۱۶۸).

براساس اطلاعات ارائه شده توسط مرکز لرزه‌نگاری در استان خراسان جنوبی، از میان هجده زمین لرزه در استان، سه زمین لرزه در منطقه خوسف صورت گرفته که چندین بار بافت شهری این شهرستان را دستخوش تغییر و تحول کرده است.

بررسی معماری سنتی و بافت تاریخی شهر و روستاهای خوسف نشان می‌دهد که این منطقه به علت شرایط اقلیمی حاکم، وزش انواع هوای گرم و وزش بادهای فصلی سبب ایجاد یک نوع معماری خاص در بناها شده است. بافت قدیم شهر خوسف با اندکی فاصله از قلعه شهر و به صورت کاملاً فشرده قرار داشته است. قلعه در ناحیه مرکزی بوده تا به هنگام ضرورت مردم بتوانند به همراه چارپایان خود به آنجا پناه برند. البته نوعی از پراکندگی خانه های قلعه‌ای شکل در داخل بافت متمرکز خوسف امروزی نیز به چشم می‌خورد که از آن نمونه می‌توان به قلعه‌سرای، جنب مقبره ابن حُسام اشاره کرد. شهر خوسف از گذشته‌های قدیم به دو قسمت بزرگ به نام محله بالای ده و محله پایین ده تقسیم می‌شده که بر اثر سیل و زلزله و تغییر مسیر قنات و گسترش شهر و شهرستان، این محلات به پنج محله توسعه یافته است که عبارتند از محله پایین قلعه، محله جومیان، محله باغان، محله سرفصل و محله غدیر.

شرایط آب و هوایی به موازات سایر عوامل محیطی، از مهمترین عوامل مؤثر در شکل‌گیری فضاهای جغرافیایی به‌شمار می‌آید، به طوری که هرگونه دخل و تصرف انسان در محیط نیز به مقدار زیادی تابع شرایط آب و هوایی است. لذا بررسی ویژگی‌های آب و هوایی در مطالعات هویت شهری اجتناب ناپذیر است. در خصوص آب و هوای خوسف باید گفت که آب و هوای آن معتدل و متمایل به گرم و خشک بوده و به علت نزدیکی به کویر، اختلاف بین زمستان و تابستان آن زیاد است. بیشترین درجه حرارت در تابستان ۴۲ درجه بالای صفر و کمترین آن در زمستان ۱۰ درجه زیر صفر می‌باشد. بر اساس آمار هواشناسی ایستگاه سینوپتیک^۱ خور، خوسف در یک دوره یک ساله به صورت میانگین پایین‌ترین دما ۸/۵ و بالاترین آن ۵/۴۲ درجه سانتی‌گراد می‌باشد. در این منطقه از دی‌ماه از برودت هوا کاسته شده و دمای هوا با روندی نسبتاً سریع افزایش می‌یابد. به همین ترتیب کاهش دما نیز از تیرماه شروع می‌شود و تا دی‌ماه ادامه دارد و بیشترین کاهش دما بین آذرماه و دی‌ماه به دلیل اثرات جبهه سردسیری است. لذا دامنه تغییرات زیاد دمای سالانه و نیز اختلاف زیاد میان حداقل و حداکثر دما، گویای غلبه شرایط کویری در آب و هوای شهرستان خوسف

است.

میزان بارندگی و دستیابی به آب‌های حاصل از بارندگی‌ها نیز از جمله عوامل سکناگزینی اجتماعات انسانی و فعالیت‌های آنهاست. مطالعه آمار هواشناسی ایستگاه خور گویای میانگین بارندگی برابر ۶ روز باران در سال، تگرگ و برف صفر و طوفان و رعد و برق یک روز و طوفان و گرد و خاک ۴۰ روز در سال می‌باشد. میزان بارندگی سالانه خوسف حدود ۱۵۵ میلیمتر است (سازمان هواشناسی کشور، ۱۳۹۳: ۲۳۶). در خصوص بادهای در این منطقه باید گفت که با توجه به جهت وزش باد، خشک یا مرطوب بودن آن از عواملی است که در اقلیم آب و هوای یک منطقه تأثیر بسزایی دارد که خوسف از این امر مستثنی نبوده و در آن چندین نوع باد که دارای ویژگی‌های متفاوت می‌باشد می‌وزد که از آن جمله عبارتند از: سیه باد: در فصل زمستان از شمال غرب به طرف خوسف وزیده و دما را پایین می‌آورد. فره باد^۱: در زمستان و اوایل بهار از سمت جنوب شرق به طرف خوسف می‌وزد و این باد نوید بارندگی را می‌دهد.

بادبالا: در فصل تابستان از شمال شرق به طرف خوسف می‌وزد. با وزش این باد هوای منطقه رو به اعتدال گذاشته و از گرمای تابستان کاسته می‌شود. باد قبله یا باد پایین: این باد از سمت جنوب غربی می‌وزد که به علت عبور از روی کویر لوت گرد و خاک به همراه دارد و باعث تبخیر شدید می‌گردد. در اکثر شهرهای کویری ایران از جمله خوسف و دیگر مناطق شهرستان به منظور مقابله با اثرات منفی باد و تعدیل آن اقداماتی از قبیل ایجاد بادگیر، خانه‌های گنبدی، ایوان‌های زمستانی و تابستانی، درختکاری در مسیر باد و ... صورت می‌گیرد که در بافت قدیم شهر خوسف و خانه‌های آن به خوبی مشهود است. همان‌طور که اشاره شد، شهرستان خوسف با توجه به موقعیت جغرافیایی خود در حاشیه کویر و کمبود بارش سالیانه و تبخیر بالا، اساساً با کمبود شدید منابع آب به‌ویژه آب‌های سطحی مواجه بوده است. جریان‌های آبی موجود که به صورت فصلی در زمستان و در اوایل بهار به وجود می‌آیند، از نظر کیفیت و کمیت در سطح پایینی قرار دارند که مهمترین این جریان‌ها عبارتند از:

۱. بادی که از جانب ولایت فراه افغانستان می‌وزد.

رودخانه شاهرود: از ارتفاعات شرق حوزه کوه‌های درمیان سرچشمه گرفته و پس از عبور از مرکز دشت، به سمت شهرستان خوسف جریان یافته و پس از آن به کویر لوت و نمکزار گرماب می‌پیوندد. قابل ذکر است که این رودخانه در حوالی بیرجند با نام «شاهرود» یا «رود بیرجند» است و در پایان که به شهرستان خوسف می‌رسد «رود شور» نامیده می‌شود. طول این رودخانه ۲۸۰ کیلومتر است. در کتاب بیرجندنامه آمده که سه رود کفترخان و پله‌باغ و شور در غرب قلعه پایین شهر بیرجند به هم می‌پیوندند و رود عظیمی ایجاد می‌شود به نام شاهرود که به طرف غرب پیش می‌رود و از خوسف می‌گذرد که به این قسمت «خوسف‌رود» گویند (بدیعی، ۱۳۶۷، ج ۱: ۱۷۶). خوسف‌رود اندکی تغییر مسیر می‌دهد و به سوی جنوب منحرف می‌شود و پس از آن که «رود کاریجگان» در آن پیوست، در نزدیکی کویر نمک، به نمکزار می‌ریزد. نمکی که پس از تبخیر این آب، در آن نمکزار باقی می‌ماند از بهترین و شورترین و سفیدترین نمکهاست و فوق العاده خوش طعم و مطلوب است (رضایی، ۱۳۷۲: ۶۴).

رودخانه کاریجگان: این رودخانه از کوه شاه در جنوب شرقی خوسف سرچشمه گرفته و با ادامه جهت به سوی شمال باختری در مرکز شهرستان خوسف به رود شور (شاهرود) می‌ریزد.

آب‌های زیرزمینی: بیش از ۹۰ درصد آب مورد نیاز شهرستان با چاه، چشمه، قنات و زهکشی از ذخایر آب زیرزمینی تأمین می‌شود.

در شهرستان خوسف استفاده از منابع آب تا قبل از سال ۱۳۳۷ ش. منحصر به قنات‌ها و چشمه‌سارها بوده است. از این زمان به بعد به تدریج حفر چاه عمیق، در قسمت‌های مختلف شهرستان مخصوصاً در حوالی روستای تقاب و شهر خوسف معمول گردید. این شهرستان دارای ۲۶۶ حلقه چاه می‌باشد که در حال حاضر بخش مرکزی خوسف دارای ۳۶ حلقه چاه عمیق و نیمه عمیق با دبی متوسط ۲۰ لیتر در ثانیه، سطحی معادل ۱۲۰۰۰ هکتار از اراضی مستعد کشاورزی را به خود اختصاص داده است (مدیریت جهاد کشاورزی، واحد آمار و اطلاعات شهرستان خوسف).

در واقع مسائل اقتصادی، کم شدن آب و در نتیجه پایین آمدن سطح زیر کشت حتی

در ترکیب خانواده‌ها هم مؤثر بوده و متوسط افراد خانوار را کاهش داده است که البته این کاهش‌ها قابل مقایسه با رشد سریع جمعیت نیست، زیرا علی‌رغم مهاجرت‌های گسترده، خوسف از رشد جمعیت برخوردار بوده است و یکی از دلایل این رشد، اهمیت نیروی کار در مسائل کشاورزی است که موجب زاد و ولد بیشتر شده است.

مهاجرت‌های فرهنگی و اقتصادی اگرچه در کاهش جمعیت کم اهمیت بوده، اما این امر سبب شده که در سال‌های اخیر مهاجرت‌ها نسبت به کوچ‌های فصلی گذشته، شتاب بیشتری داشته باشد. از مهمترین دلایل این مهاجرت‌ها می‌توان به کافی نبودن محصولات محلی و کاهش فعالیت‌های جانبی از قبیل دامداری و صنایع دستی جهت معیشت همه ساکنان منطقه اشاره کرد (بهنیا، ۱۳۸۱: ۱۸۵).

قنات نیز بخشی از میراث ملی و کهن ایران است که در معرض خطر خشک شدن قرار دارد. هرچند امروزه تلاش می‌شود تا توجه بیشتری به احیاء و حفاظت از قنات شود؛ اما هنوز هم بسیاری از این موارد تاریخی در معرض خطر آلودگی و خشک شدن قرار دارند. خشکسالی‌های ۱۵ ساله در استان خراسان جنوبی موجب خشک شدن ۳۰ درصد قنات استان شده که در حال حاضر سه هزار رشته قنات استان خشک شده‌اند. شهرستان خوسف نیز دارای قنات‌های بسیاری بوده که مهم‌ترین آن، قنات خوسف است که به «آب میان ده» مشهور است. قنات مذکور از سمت شرق خوسف که وارد بافت شهری شده و در مسیر خود علاوه بر آن که آب تعداد زیادی حوض‌انبار را تأمین می‌کرده، از داخل بسیاری از خانه‌ها نیز می‌گذشته است.

در بخش مرکزی خوسف چند کوه قابل توجه در شمال، شرق و جنوب آن وجود دارد که عبارتند از کوه گَرنگ در شمال شهرستان خوسف، کوه رِچ در غرب و کوه شاه که در جنوب شرقی این شهرستان واقع شده‌اند. در چند کیلومتری شمال کوه رِچ، کوه زرد قرار دارد که غاری طولانی به نام «غار چنشت» در آن واقع است. نام کوه باغران از ترکیب دو جزء باغ و ران (پسوند مکان) به دست آمده و به معنی محل باغ و درختستان می‌باشد. دلیل این نام‌گذاری، وجود باغ‌های زیادی بوده است که در کوهپایه‌های آن وجود دارد. در این کوه، رد پای حیوانات عظیم‌الجثه مربوط به ۳۰ تا ۵۰ میلیون سال قبل بر روی لایه‌های

موسوم به فلیش در صخره‌های مربوط به دوران سوم زمین‌شناسی و به‌صورت حفره‌های بیضی شکل در حد فاصل روستاهای روشناوند و چهکنند در سال ۱۳۷۷ کشف شده است (سعیدیان، ۱۳۸۸: ۸۸۳). آب و هوای سرد و خشک کویری و پایین بودن کیفیت جنس خاک در منطقه باعث شده که از لحاظ پوشش گیاهی، اغلب شرایط زیست‌بوم‌های بیابانی و کویری حکم‌فرما باشد. ولی در عین حال زیستگاه‌های متنوع دیگری نیز در حاشیه بیابان و نقاط کوهپایه‌ای و کوهستانی به شرح زیر مشاهده می‌شود:

پوشش گیاهی بیابانی و کویری: شامل برخی از گیاهان مقاوم در برابر بی‌آبی و خاک نامناسب نظیر گز، مرق، شوره فریز که بیشتر در حواشی کویر می‌رویند.

پوشش گیاهی نیمه‌بیابانی و کوهپایه‌ای: در نواحی مجاور کوه‌هایی چون باگران به علت وجود رطوبت بیشتر، علاوه بر انواع گل‌های بهاری، پوششی پراکنده از درختان تاغ، قیج، اسکنبیل، گما، درمنه و بومادران نیز می‌روید.

پوشش گیاهی کوهستانی: اغلب در نواحی کوهستانی و ارتفاعات باگران و آرک که دوام رطوبت بیشتر است، انواعی از درختان پهن‌برگ و سخت چوب از قبیل شب‌بو، گل میمون، کاکوتی و ... متناسب با شرایط بوم‌شناسی منطقه می‌رویند که خود درآمدی برای روستاییان منطقه خوسف محسوب می‌شود (خزاعی، ۱۳۶۹: ۲۳).

وجه تسمیه خوسف

در رابطه با شهرستان خوسف که یکی از مناطق مهم قهستان آن روز است باید گفت که خوسف با قدمتی بیش از بی‌چند - که هم اکنون خود مرکز استان است - در منابع تاریخی با این عناوین یاد شده است: جوسف، جُسف، حُسف، حُسب به معنای گود و خوسف به معنای پوشیده بودن است. حُسه به معنای زمین ریگزار است که هر دو برای خوسف صادق است (بهنیا، ۱۳۸۱: ۱۹۶). زیرا وقتی از تپه‌های مشرف بر قبرستان پل قیامت (شرق) و زمین جومیان (غرب) و ناحیه دنبه میل (شمال) به خوسف نظر شود، ساختمان‌ها در محلی پست و گود ساخته شده است که در عین حال، نسبت به آبادی‌های شمال، شرق و غرب نیز ارتفاع کمتری دارند، جیهانی (۱۳۷۴: ۱۵۸) جغرافیادان قرن چهارم هجری درباره خوسف

می‌نویسد: «خوسف شهری خرد است و در سواد آن بستان‌های بسیار و زراعت همراست و عمارت فراوان و آب‌های تمام...» وی هم‌چنین در ذیل راه راور، منازل بین مناطق را بر می‌شمارد و می‌نویسد: «... از چاه سنگ تا خور یک منزل و تا خوسف یک منزل و از خوسف تا کریت سه منزل است». جمال رضایی به استناد نظر جیهانی و ترکیب اولیه کلمه خوسف در فارسی باستان بر این عقیده است، خوسف که در گویش بیرجند خُسب نیز تلفظ می‌شود، نام جلگه ایست گسترده و آباد که چهل کیلومتر با غرب و جنوب غربی بیرجند فاصله دارد. به نظر می‌رسد این واژه بازمانده یک واژه اوستایی است که به فارسی باستان هم راه یافته و به فارسی نو نیز رسیده و خوسف، خُسب و غیره ضبط شده است. برخی بر این عقیده‌اند که صورت اوستایی این کلمه هوسپ است که از دو جزء ترکیب شده است که هو، پیشوندی است که معنی خوب می‌دهد و همان است که در فارسی به صورت واژه‌هایی مانند هومن، هوتن و ... دیده می‌شود. اَسپ همان اَسب در فارسی تلفظ شده، لذا واژه هوس به معنی «خوب اسب» است، یعنی دارنده اَسب خوب که می‌تواند نام شخص یا سرزمین باشد» (رضایی، ۱۳۷۷: ۵۰).

بنابراین این سرزمین را به آن سبب خوسف/ خُسب نامیده‌اند که اسبان و چارپایان خوب داشته است که این نظر را مؤلف حدودالعالم (۱۳۶۲: ۹۱) نیز تأیید می‌کند و می‌نویسد: «خور و خُسب دو شهر است بر کرانه بیابان و آب ایشان از کاریز است و خواسته مردمان این شهر، بیشترین چهارپای است». مقدسی (۱۳۶۲، ج ۲: ۴۳۷) نیز در کتاب ارزشمند خود در ذیل واژه قاین به خوسف اشاره دارد، اما آن را یک‌جا به صورت خوست و جای دیگر به شکل خوست ذکر کرده است. ابن حوقل (۱۳۴۵: ۱۸۰) مؤلف صوره الارض خوسب ذکر کرده و راجع به آن می‌نویسد: «خوسب منبر ندارد».

در احسن التقاسیم مقدسی (۱۳۶۲، ج ۲: ۴۷۱) آمده است که خوست در کنار بیابان است و دژی دارد از تون بزرگتر و کم جمعیت‌تر و درختانش کم هستند. یاقوت حموی (۱۳۹۹، ج ۲: ۱۷۴) این آبادی را جوسف ذکر نموده و می‌نویسد: «چگونگی ضبط (جوسف) را تحقیق نکردند. آن را در بعضی کتاب‌ها این چنین (جوسف) یافتیم و آن ناحیه‌ای شبیه به صحرا است ... و حدود آن متصل به بیابان کرمان است و بعضی آن را جوزف بازای معجمه می‌نامند.

حافظ ابرو (۱۳۷۰: ۳۲) نیز پس از توضیحاتی در مورد خوسف به ذکر توابع و قریه‌های آن می‌پردازد: «بیست قریه و صد مزرعه از توابع خوسف است بر کنار بیابان است و بر آن طرف بیابان حدود کرمان خبیص و نواحی آن است و آن بیابان را بیابان لوط خوانند...». وی هم‌چنین قریه‌های خوسف را چنین ذکر می‌کند: «قریه سارعی، قریه تقاب، قریه نهارجان، قریه ماژان، قریه سرچاه، قریه محمدان، قریه عماری، قریه چهکنند، قریه شهرستانک، قریه خور، قریه ارگ، قریه گل، قریه نریمان و ...» (همان: ۳۳).

خواند میر (۱۳۶۲: ۳۶) نیز نویسنده کتاب حبیب السیر زمانی که از مولانا محمد بن حسام شاعر خوسفی نام می‌برد از زادگاه او به‌صورت خوصف، یا می‌کند. اعتمادالسلطنه (۱۳۶۷، ج ۱: ۵۲۰) چون خود به نقاط ذکر شده در کتاب خویش سفر نکرده و تنها به استفاده از متون جغرافیایی بسنده نموده است در مورد خوسف نیز این رویه را پیش گرفته و چنین می‌نویسد: «صاحب معجم البلدان گوید صحیح این لفظ را نمی‌دانم چیست. به هر حال قصبه ای است در قهستان... بعضی جوسف و جور را یک محل دانسته اند».

لسترنج (۱۳۶۷: ۳۸۶) در مورد اسامی مختلف به‌کار رفته شده عقیده دارد که ضبط اشتباه آن ناشی از اشتباه کاتبان می‌باشد. او در کتاب خود با توجه به متون مختلف جغرافیایی که به یادگار مانده و مورد استفاده‌اش قرار گرفته، خوسف را این‌گونه توصیف می‌کند: «خوسف اگرچه در قرن چهارم مسجدی نداشت ولی مکانی مهم، مستحکم و دارای قلعه بود. ساختمان‌هایش از گل و باغ‌هایش کم و آبش از کاریز و اندک بود. مقدسی می‌گوید وسعت آن از تون بیشتر و جمعیت آن کمتر است. درختان زیاد نیست و پشت سر آن کوه‌های خشک و بایر قهستان است». در تاریخ سیستان (۱۳۱۴: ۴۰۶) نیز در ذکر حوادث سال ۶۸۸ هجری از لشکرکشی مغولان به قهستان و گرفتن جوسف (خوسف) سخن به میان آمده است.

آیتی (۱۳۷۱: ۱۷) در بهارستان خوسف را از بلوک سنجاب‌رود عنوان می‌کند و راجع به آن می‌نویسد: «از زمان قدیم مدرسه و مسجد داشته، هوایش به گرمی مایل، انار و انگور و خربزه بندسارش به غایت لطیف است. آبش نهرهایی است که از رودخانه بر می‌خیزد و به آنهار خمسۀ خوسف‌رود نامبرده می‌شود و از آنجا تا شهرستان بیرجند هشت فرسنگ خفیف

است و آخر این جلگه به اراضی خور منتهی و از آنجا به لوت خبیص می‌رسد... از قرای معروفه این بلوک ماژان و غیس‌آباد و کاخک و سیوجان و تقاب و معصوم‌آباد و شاهزیله و نصرآباد و فدشک است...». احمدی بیرجندی (۱۳۷۷: ۹) بر این نظر است که نام خوسف از خوست گرفته شده و خوست در لغت به معنی خسته، آزرده، مالیده و فرسوده می‌باشد. با توجه به معانی مختلف کلمه "ویشتیون" (از جمله کلمات حک شده در سنگ‌نگاره‌های کال چنگال خوسف و لاج مزار کوچ) که به معانی خستو، خستوان، خسته و ... است، لذا واژه "خوست" یک واژه اصیل فارسی کهن می‌باشد که خود می‌تواند مؤیدی بر قدمت تاریخی خوسف باشد.

درباره وجه تسمیه خوسف گفته شده: خوسف در اصل خوسف‌رود بوده و واژه خوسف به معنی گودی و محل پست می‌باشد و از ریشه "خُسف" گرفته شده است.^۱

تاریخ سیاسی

در خصوص پیشینه تاریخی خوسف باید گفت که تعدادی از سنگ‌نگاره‌های موجود در محلی به نام لاج مزار در خوسف، حکایت از تحولاتی دارد که در زمان پادشاهی قباد ساسانی در این منطقه روی داده است. به عنوان مثال، نقش سر یک مرد که تاجی بر سر دارد که نوارهای موج، زینت‌بخش آن است و سنگ‌نگاره‌های دیگری که صحنه بزم و عروسی قباد را با دختر اخسنواز، پادشاه هپتالی و چهره چند شخصیت هپتالی را به تصویر کشیده است بر حضور هپتالیان در جنوب خراسان اشاره دارد (لباف خانیکی، ۱۳۸۶: ۳۱).

بلادری (۱۳۶۴: ۲۸۶) درباره هپتالیان می‌نویسد: «در زمان فتح قهستان توسط اعراب، هپتالیان کمک‌های خوبی به مردم قهستان داشته‌اند».

شهرستان خوسف در زمان سلسله ساسانی جایگاه خاصی داشته، چرا که از دوره ساسانیان آثار زیادی از این منطقه به‌جای مانده است. به‌عنوان مثال، در بصیران که از توابع شهرستان خوسف است، آثار بسیار جالبی از خرابه‌های قدیمی که احتمالاً معبد بوده، وجود دارد (مستوفی، ۱۳۶۲: ۷۷).

۱. مصاحبه مورخه ۹۳/۲/۲۴ با آقای شیخ غلام‌رضا محمودی، ۸۵ ساله اهل خوسف.

در خصوص قدمت تاریخی خوسف گفته شده: «خوسف از نظر قدمت از مناطق تاریخی انگشت‌شمار در ایران می‌باشد که قدمتی بیش از سه هزار سال دارد. ایشان در اثبات ادعای خویش چنین می‌گویند که این منطقه سابقاً شهری بزرگ بوده که دارای پنج نهر کُرفند، نِزشت، موسیان، جومیان و میان ده بوده است. بنابراین از آنجا که آب عامل اصلی تجمع جوامع بشری و تشکیل تمدن‌ها می‌باشد، حاکی از آن است که شرایط لازم برای شکل‌گیری یک جامعه متمدن و فرهنگی در این منطقه از دیرباز مهیا بوده است.

از دیگر شواهد تاریخی بودن خوسف می‌توان به آثار کشف شده از زرتشتیان (گبرها) در این منطقه اشاره کرد، به طوری که چندین سال قبل در هنگام عملیات جاده سازی از محلی واقع در جنوب کلاته رضاقلی در شرق خوسف قبرهایی منسوب به گبرها کشف شد که از درون آنها اشیایی مانند صندوقچه، بت‌های سنگی (مجسمه)، ظروف سفالی نظیر کاسه و بشقاب و زیورآلاتی مانند مهره‌های رنگی، دستبند، گوشواره و ... به دست آمد. همچنین در سمت غرب جاده آسفالته بیرجند - خوسف بر روی تپه‌ای مشهور به «قبرستان گبرها» نیز سال‌ها پیش مردم به قبرهایی برخورد کرده‌اند که جهت آنها با قبرهای مسلمانان فرق داشته است. فردی بومی نیز به این گورستان‌ها اشاره می‌کند و اظهار می‌دارد که این قبرها در گذشته به "خاک گبران" مشهور بوده‌اند.

باید گفت که در تاریخ منطقه خوسف همان‌طور که فنودی (۱۳۸۳: ۱۳۵) در کتاب مرآت المکنونات می‌نویسد، مشخص می‌گردد که منطقه خوسف از مردمان و حاکمان شیعی برخوردار بوده است «چنان‌چه قم و سبزوار در میان بلاد ایران به تشیع از اعصار قدیمه شهره بوده، قصبه خوسف در میان اهالی قهستان به تشیع شهرت داشته و در پیروی از این طریقه، افتخار بر انبای روزگار داشته‌اند». از آنجائی که شهر خوسف به‌عنوان یک ایستگاه میان‌راهی برای افراد مختلف استفاده می‌شده، تاریخ‌نویسان سده‌های اولیه اسلام، اخبار آن را در قالب قهستان ارائه داده‌اند و مستقیماً به حوادث آن نپرداخته‌اند.

۱. مصاحبه مورخه ۹۳/۲/۲۴ با آقای شیخ غلام‌رضا محمودی، ۸۵ ساله اهل خوسف.

۲. مصاحبه مورخ ۹۳/۴/۱۴ با آقای احمد برآبادی، کارشناس میراث فرهنگی؛ مصاحبه مورخه ۹۳/۲/۲۴ با آقای علی مقری، ۹۰ ساله اهل خوسف.

برخی از نویسندگان از جمله پیگولوسکایا^۱ (۱۳۷۲:۱۴۴) در کتاب اعراب حد و مرزهای رم شرقی و ایران در سده چهارم و ششم میلادی با توجه به اسناد ارائه شده بر این عقیده است که اعراب قبل از اسلام به دنبال کشورگشایی بوده‌اند و بیشتر قبایل عرب بعد از اسلام نیز با این هدف در ایران ساکن شدند. در قائنات دوره قاجار نیز طوایف مختلفی زندگی می‌کرده‌اند که برخی بازمانده مهاجران اعراب در قرون اولیه اسلامی بودند. نخعی‌ها، خزیمه‌ها و زنگویی‌ها مهم‌ترین طوایف عرب بودند که طی چند قرن به تدریج در قاینات، خوسف و طبس اسکان یافتند.

قلمرو حکومتی طایفه نخعی بیشتر در خوسف می‌باشد؛ لذا در خصوص این طایفه در ابعاد اجتماعی و سیاسی و حکومتی بررسی و تحقیق بیشتری صورت گرفته است که نتایج آن به شرح ذیل ارائه می‌گردد.

در گویش بیرجند نخعی نام تیره‌ای از خان‌هاست (رضایی، ۱۳۸۱: ۴۵۷) و نخعی‌ها یکی از طوایف مهم منطقه قاینات بودند. آنان خود را از بازمانده‌های مالک اشتر نخعی می‌دانستند که مانند اعراب خراسان در زمان خلفای اموی و عباسی برای استحکام بنیان خلافت به این منطقه کوچ داده شدند (وزارت امور خارجه، مرکز اسناد، ۱۳۳۹، کارتن ۳۰، پرونده ۸/۳۷). میرزا خانلرخان که زمانی نایب اول وزارت امور خارجه زمان ناصرالدین شاه را عهده‌دار بوده است، در سال ۱۲۹۳ ق. از طرف دولت مأمور حل و فصل اختلافات موجود میان دولت و امیرعلم‌خان حشمت‌الملک، راهی بیرجند شد. میرزا خانلرخان در مورد خوسف و خور نیز مطالبی دارد: «خوسف جایی معتبر است. آب و سبزه و درختش خیلی بهتر از بیرجند است. باغات و زراعات خوب دارد. قلعه محکم و معتبری دارد. سی نفر سرباز از امیر قاین در اینجا ساخلو است. خارج قلعه، ده بزرگ خیلی خوبی است؛ به قدر ششصد، هفتصد خانه دارد. اغلب رعیتش عرب نخعی است» (اعتصام‌الملک، بی تا: ۲۱۴).

نخعی‌ها در محدوده جغرافیایی خوسف در غرب تا فورگ (در شرق بیرجند) ساکن بوده‌اند و تا اوایل دوره قاجار بیشتر آنان زندگی یکجانشینی داشته‌اند. در سال ۱۳۳۰ ق. جمعیت آنان بخشی از کل جمعیت پانزده هزار نفری بلوک خوسف را شامل می‌شده که

در متجاوز از صد مزرعه‌ی آباد زندگی می‌کردند و در سال ۱۲۹۴ ق. زمان سفر اعتصام الملک به خوسف، جمعیت نخعی در این منطقه بر هم‌نژادان خود - اعراب زنگویی - به دلیل شجاعت غلبه داشته‌اند (همان: ۲۱۷). خان‌های نخعی اصیل‌ترین خان‌ها و خان‌های اطراف خوسف نیز از لحاظ نسبی از خویشان آنها بودند. نخعی‌ها به‌عنوان ساربان هم در مسیرهای قائنات به سبزووار و دزداب (زاهدان کنونی) به حمل کالا پرداخته و ملاک بودند. از آغاز قاجار تا دوره ناصرالدین‌شاه، همچون خزیمه‌ها مورد توجه دربار بودند و قلمرو محمدرضا خان نخعی کمتر از قلمرو خاندان علم نبود (سپهر، ۱۳۷۷، ج ۳: ۱۱۹۴). اعراب خزیمه و نخعی در جریان شورش‌های منطقه دوشادوش نیروهای حکومت مرکزی جنگیدند که در این ماجرا، محمدرضا نخعی نقش مهمی در همراهی با امیر علم‌خان ایفا کرد (ریاضی هروی، ۱۳۷۲: ۵۹؛ اعتمادالسلطنه، ۱۳۶۷: ۴۰) در این خصوص می‌توان بهار سال گزارش‌هایی از خوسف برای رئیس کل اداره مالیه و گمرکات قاین پیرامون شورش چند نفر سیستانی در آن منطقه اشاره کرد (سازمان کتابخانه‌ها، موزه‌ها و مرکز اسناد آستان قدس رضوی، سند شماره ۴۲۴۲/۱).

با شروع سلطنت ناصرالدین شاه، تغییر و تحولات زیادی در منطقه قاینات به وقوع پیوست که به تدریج رابطه اعراب نخعی خوسف را با اعراب خزیمه بیرجند وخیم‌تر کرد. محمدرضا نخعی در هنگام فتنه سالار از ترس همراه شدن با سالار به تهران فراخوانده شد و ناصرالدین شاه با اجرای سیاست پیوند نسبی سعی کرد حکام شرق ایران را مطیع خود نگه دارد و جای پای محکمی را در منطقه قاینات بیابد. لذا محمدرضا نخعی به حکومت سیستان منصوب شد (آدمیت، ۱۳۶۲: ۲۴۹)، اما با قدرت‌طلبی خاندان علم و با شروع دوران صدارت میرزاآقاخان اعتمادالدوله، ابعاد تازه‌ای از رقابت بین دو ایل آغاز شد که نزدیک به یک قرن طول کشید که مکاتبات سال‌های ۱۲۶۸ ق. شاهدی بر این مدعاست. نامه اعتمادالدوله به اسدالله خان خزیمه علم، حکمران قاینات بیشتر قدرت طلبی خزیمه‌ها را نشان می‌دهد که صدراعظم گویا در صدد کنترل آنان بوده است (وزارت امور خارجه مرکز اسناد، ۱۳۳۰، کارتن ۳۰، پرونده ۶/۳۸).

حسام السلطنه نیز در نامه‌ای به محمدرضا نخعی درباره مالیات خوسف، آن منطقه را جزو ولایت قاین برشمرده و تأکید می‌کند که مالیات سه ساله را به امیراسدالله‌خان بپردازد. این نامه نشان می‌دهد که بین حکومت قاین و خوسف بر سر تبعیت یا عدم اطاعت اختلاف بوده است (سازمان کتابخانه‌ها، موزه‌ها و مرکز اسناد آستان قدس رضوی، سند شماره ۳۷۳۴/۲). اخطار آقاخان نوری صدراعظم ایران به اسدالله‌خان حسام‌الدوله، حاکم قاینات جهت تحویل مناطق خوسف و فریز به محمدرضاخان نخعی شاهدی دیگر بر جایگاه مهم خاندان نخعی در خوسف بوده است (همان، سند شماره ۳۷۳۶/۱).

قدرت خاندان علم از اوایل دوره ناصری به تدریج افزایش یافت و میرعلم خان پس از واکنش‌های شدید دربار قاجار، طرح قتل محمدرضاخان را اجرا کرد. با قتل وی در خوسف در سال ۱۲۸۷ ق. نخعی‌ها در رقابت با خزیمه‌ها شکست خوردند و قلمرو ایل نخعی به‌طور کامل به‌دست میرعلم‌خان افتاد. دربار قاجار با شنیدن این خبر دستور پیگیری و شناسایی توطئه‌گران را صادر کرد، اما مأمور دربار از سوی امیرعلم‌خان تطمیع شد (باستانی‌پاریزی، ۱۳۶۷: ۶۶۰).

در واقع قتل محمدرضا نخعی و تبدیل خوسف به یک نایب‌الحکومه وابسته که الهیارخان مدتی سمت نایب‌الحکومتی آن را داشت، تأثیر فراوانی بر مسائل مالی نخعی‌ها گذاشت (سازمان کتابخانه‌ها، موزه‌ها و مرکز اسناد آستان قدس رضوی، سند شماره ۸۲۶۹/۲۷). روند افزایش قدرت خاندان علم به‌گونه‌ای بود که حتی فرمان‌های صدراعظم و هشدارهای والی خراسان را نیز نادیده می‌گرفت. از آن جمله می‌توان به کشتن محمدرضاخان نخعی و همچنین بی‌توجهی به فرمان مظفرالدین شاه اشاره کرد. در واقع، علی‌رغم حمایت‌های پادشاهان قاجار از جمله مظفرالدین شاه از خاندان نخعی - که طی فرمانی در سال ۱۳۱۵ ق. به رکن‌الدوله والی خراسان دستور می‌دهد که بلوک خوسف جزء حکومت امیراسماعیل شوکت‌الملک نایب‌التولیه بیرجند باشد و علی‌اکبرخان حشمت‌الملک نایب‌الحکومه سیستان حق دخالت در امور خوسف را ندارد- مشاهده می‌شود که خاندان علم قصد داشتند که با تحت‌الحکومه نمودن خوسف به سیستان، جلوی پیشرفت منطقه خوسف را بگیرند (سازمان کتابخانه‌ها، موزه‌ها و مرکز اسناد آستان قدس رضوی، سند شماره ۲۶۰۰).

با شکست نخعی‌ها، ترقی خوسف متوقف گردید و این سکوت تا زمان ادامه حیات خاندان علم در بیرجند و دو سه دهه اخیر ادامه داشت. از تاریخ سیاسی منطقه چنین برمی‌آید که ایل نخعی در بیشترین اعصار، حکمرانان بلامنازع منطقه بوده‌اند و نقش تعیین کننده‌ای در ترویج مذهب تشیع به‌عنوان یگانه مذهب مردم این سامان داشته‌اند. به‌طوری که رساندن نسب خودشان به مالک اشتر و ظهور شاعر پرآوازه در عرصه ادبیات ولایی و دینی چون مولانا ابن حُسام خوسفی بی سبب با جو سیاسی و شیعی حاکم بر منطقه خوسف نباشد.

تاریخ فرهنگی

زبان و گویش مردم خوسف فارسی است. این گویش به لحاظ شمار واژه‌ها و تنوع آن یکی از گویش‌های پرمایه زبان فارسی است. پاکی این گویش در خالی بودن آن از واژه‌های بیگانه است (رضایی، ۱۳۸۱: ۷۱). مردم قهستان به‌صورت عام و خوسفیان به‌صورت خاص پس از ورود اسلام به ایران، مجموعه مقاومت‌های اولیه در پذیرش دین اسلام از خود نشان دادند، اما پس از آن، مردم خوسف به طرز چشمگیری به تشیع روی آوردند (ویدن، ۱۳۷۷: ۴۶۹). مؤلف بهارستان در این باره می‌نویسد: «همان‌طور که شهر قم در تشیع در ایران بی نظیر است، در خراسان بزرگ و به تبع آن قهستان، این مردم خوسف بودند که از ارادت خاصی به ساحت مقدس ائمه اطهار برخوردار بودند. در حال حاضر اکثریت مردم شهرستان خوسف، شیعه مذهب می‌باشند» (آیتی، ۱۳۷۱: ۶۵).

در میان هر قوم و ملتی ادبیات نوشتاری، عناصر و پدیده‌هایی از فرهنگ عامه و ادبیات قومی را جذب و بازآفرینی می‌کند که به ادبیات عامیانه، فرهنگ توده یا فرهنگ عامه شهرت دارد. این نوع ادبی، مجموعه‌ای از آداب و رسوم، افسانه‌ها، ضرب‌المثل‌ها، ترانه‌ها، اساطیر، خرافات، سحر و جادو و مانند اینها را شامل می‌شود که در جوامع مختلف به‌صورت شفاهی یا از راه تقلید از نسلی به نسل دیگر منتقل می‌شود. خوسف به دلیل تشکیل شدن روستاهای همجوار، از فرهنگ ناب روستایی فاصله زیادی نگرفته است. جنوب خراسان از جمله خوسف با توجه به قرارگرفتن در کنار کویر مرکزی ایران، قناعت در رفتار مردمش نهادینه شده است.

مردم شهرستان خوسف از آنجا که به شیعیان خاص ائمه اطهار مشهورند، لذا در گرامی داشت سوگواری‌ها و اعیاد مذهبی بسیار کوشا هستند. در واقع، کلیه مراسم آیینی این منطقه مشابهت زیادی با دیگر مردم خراسان دارد؛ اما فقط یک آیین است که در کل کشور منحصر به فرد و در ماه محرم آن هم فقط در شهرستان خوسف برگزار می‌شود که آن مراسم بیل‌زنی است که در واقع، تبلوری از یک آیین خاص مذهبی است. این مراسم در میان مردم خوسف سابقه‌ای طولانی داشته و هدف از انجام آن، یادآوری ظهر عاشورا و دفن کردن شهدای کربلا پس از دو روز توسط طایفه بنی‌اسد است و نوعی شبیه‌سازی از این طایفه است که پس از دو روز و سه شب پیکر شهدا را با بیل یا ابزار دیگری به خاک سپردند. یک نظر دیگر نیز وجود دارد که علاوه بر تجسم دفن شهدا، می‌خواهند به این طریق نوای به هم خوردن شمشیر و اسلحه در آن زمان را با برخورد سر بیل‌ها مجسم سازند. برای برپایی این مراسم دو دسته ۱۵ نفری تشکیل می‌شود و به صورت دایره‌وار در کنار هم قرار می‌گیرند و بیل‌هایشان را به طرف آسمان بلند کرده و تیغه بیل‌ها را به هم می‌زنند و همه یک صدا و آهنگین «حیدرعلی» می‌گویند. مردم خوسف بر این عقیده‌اند که اگر سالی این مراسم را انجام ندهند سبب خشکسالی خواهد شد و محصولاتشان آسیب خواهد دید. این مراسم از آیین‌های ویژه مراسم سوگواری امام حسین(ع) است که در هیچ یک از شهرهای ایران به چشم نمی‌خورد. مراسم بیل‌زنی قدمتی بیش از صد سال دارد که توسط ملاعلی اکبر خوسفی نهاده شده و کشاورزان و مردم شهرستان خوسف به این رسم بهای زیادی می‌دهند.

تاریخ اقتصادی

اقتصاد شهرستان از دیرباز بر پایه کشاورزی و دامپروری و صنعت استوار بوده است. فعالیت‌های اقتصادی این شهرستان شامل کشاورزی، دامداری، صنایع دستی، صنعتی و معدنی می‌باشد. اگرچه فعالیت‌های بخش معدن و صنعت است که می‌تواند اقتصاد منطقه را متحول نماید، لیکن کشاورزی و دامپروری هنوز هم اساس فعالیت‌های اقتصادی منطقه را تشکیل می‌دهد. محصولات کشاورزی خوسف شامل گندم، جو، ارزن، زیره سبز، چغندر،

۱. مصاحبه مورخه ۹۳/۲/۲۴ با آقای علی مقری، ۹۰ ساله اهل خوسف.

شلغم و غیره می‌باشد. از محصولات باغی این منطقه علاوه بر انگور می‌توان از زرشک، بادام، آلو، عناب، انار، انجیر و ... یاد کرد.

دامداری در این بخش رواج زیاد داشته و محصولات دامی از قبیل پشم، پوست از صادرات خوسف محسوب می‌شود. فرش‌بافی نیز از مشاغل عمده اهالی به‌شمار می‌رود و قالی‌های زیبایی را با طرح‌های کرمانی، کاشانی، مشهدی و نقش‌های ریزه‌ماهی بافته و صادر می‌کنند. ضمناً ریسندگی و بافندگی خوسف نیز دارای اهمیت است.

شهرستان خوسف در امور دامی نیز خصوصاً در پرورش شتر یکی از شهرستان‌های منحصراً به‌فرد است. با توجه به این‌که اکثر دشت‌هایی که بخش وسیعی از وسعت شهرستان خوسف را شامل می‌شود، پوشیده از جنگل‌های طاق می‌باشد، این منطقه استعداد خوبی برای پرورش شتر دارد (بهنیا، ۱۳۸۱: ۱۹۹). خوداکتفای مردم این منطقه توأم با نهایت صرفه‌جویی بوده است. همکاری مردم با یکدیگر در گذشته چنان بوده است که می‌توان به جرأت گفت که حرفه‌ای به نام گدایی در خوسف مفهوم نداشته است و اگر هر کسی به هر دلیلی درویشی می‌کرده مشهور خاص و عام می‌شده است.

نساجی در این ناحیه قدمت بسیار زیادی دارد. به‌طوری‌که ابن حوقل و جیهانی نویسندگان قرن چهارم به تولیدات کرباس (پارچه‌های پنبه‌ای) در این ناحیه اشاره می‌کنند که به نواحی دیگر صادر می‌شده است. هم‌چنین خوسف در صنایع دستی از جمله حوله‌بافی، توبافی و سفالگری نقش اول را در صادرات این صنعت دارد. مراکز عمده‌ای نساجی که در اصطلاح محلی به آن «تون‌بافی» می‌گویند، بخش مرکزی خوسف - شهر خوسف، روستاهای جومیان، باغان جومیان و... - را در برمی‌گیرد. حدود ۲۰۰ تا ۲۵۰ دستگاه تون‌بافی در این منطقه به‌صورت فعال می‌باشد. محصولات نساجی نیز شامل انواع حوله‌ای دست و صورت، ملحفه، بُغَبند (چادر شب)، روسری، شال، کرباس و... است (ابن حوقل، ۱۳۴۵: ۱۸۰-۱۸۱؛ جیهانی، ۱۳۷۴: ۱۷۱).

هم‌چنین شهرستان خوسف به لحاظ این‌که در موقعیت مناسبی از نظر طبیعی و سوق الجیشی قرار گرفته است، از گذشته تاکنون همواره از نظر تجاری نیز مورد نظر بوده است. به سبب قرار گرفتن بر سر راه‌های مواصلاتی بین استان خراسان جنوبی و استان‌های کرمان، یزد

و اصفهان نقش تعیین کننده‌ای را به خود اختصاص داده است که در این زمینه می‌توان به توقیف محموله تریاک راهزنان توسط نایب‌الحکومه خوسف در این منطقه (سازمان کتابخانه‌ها، موزه‌ها و مرکز اسناد آستان قدس رضوی، سند شماره ۳۱۵۰۵/۱) و حمله اشرار به اداره مالیات خوسف و درخواست ارسال نیرو جهت تنبیه عاملین آنها اشاره کرد (سازمان کتابخانه‌ها، موزه‌ها و مرکز اسناد آستان قدس رضوی، سند شماره ۹۴۹۰/۴).

خوسف به تبعیت از وضعیت خاص زمین‌شناسی جنوب خراسان، از نظر معدن نیز از موقعیت ممتازی برخوردار است. ذخایر پر اهمیت مس و سنگ آهک و معدن گچ، مرمریت، گرانیات در شهرستان به میزان زیاد وجود دارد. معدن مس قلعه‌زری در مجاورت ده قلعه زری از عمده‌ترین و با ارزشترین معادن مس شناخته شده و تنها معدن فعال مسی است که در حال حاضر در سطح کشور به صورت تونلی استخراج می‌گردد. یافته‌های علمی سابقه استخراج از این معادن را مربوط به حدود ۷۰۰ سال پیش تشخیص داده است (احمدیان، ۱۳۷۴: ۲۲۵). برخلاف اکثر سفرنامه‌نویسانی که از این منطقه کمتر بازدید داشته‌اند، تنها کسی که کاملاً معدن قلعه‌زری را از نزدیک مشاهده کرده، سرپرسی سایکس^۱ (۱۳۶۳: ۴۰۰۹) است که می‌نویسد: «پس از طی ۱۱ میل به قلعه‌زری رسیدیم که در ازمنه قبل از اسلام آن را «قلعه گبری» می‌نامیدند».

نتیجه

خوسف یکی از شهرهای مهم ایالت قهستان بوده است و در منابع تاریخی و جغرافیایی از آن تحت عنوان "معظمت بلاد قهستان" و در ردیف تون (فردوس)، قائن و گناباد یاد شده است. با توجه به کاوش‌های باستان‌شناسی، پیشینه تاریخی خوسف به دوران قبل از اسلام باز می‌گردد و از نظر قدمت از جمله مناطق تاریخی انگشت‌شمار در ایران می‌باشد که قدمتی بیش از سه هزار سال دارد. سنگ‌نگاشته‌های باستانی و آثار و نقوش بر جای مانده در کتیبه‌های کال چنگال در دامنه کوه‌های این منطقه، خود شاهی بر این مدعاست. این منطقه همواره مورد توجه جغرافی‌دانان از سده چهارم هجری به بعد بوده است. اکثر آنان در

1. Srepresi sajks

شرح محدوده جغرافیایی قهستان، هنگامی که از خوسف نام می‌برند، هیچ ذکری از بیرجند به عنوان یکی از شهرهای بزرگ این منطقه به میان نمی‌آورند. لذا این مسأله حکایت از گذشته دیرینه خوسف دارد. به لحاظ جغرافیای تاریخی این منطقه باید گفت که تمدن باستانی خوسف مدیون رودخانه‌ها و نهرهایی است که در گذشته در آن ساری و جاری بوده است. گرچه در گذشته خشکسالی‌های مکرر، خوسف‌رود را به خشکی کشانده، اما این امر نیز از نقش تاریخی، اقتصادی و فرهنگی این منطقه در طول تاریخ نکاسته است.

موقعیت خاص جغرافیایی، قرار گرفتن بر سر راه‌های مواصلاتی، حضور مهمترین طوایف عرب نخعی، خزیمه و زنگویی در خوسف، ایجاد روابط سیاسی با حکومت مرکزی - جهت کسب قدرت سیاسی از طریق سرکوب نمودن شورش‌های منطقه - علاقه‌مندی خاندان علم به تمرکز قدرت و حکومت در بیرجند و بلوک اطراف آن و عدم مرکزیت منطقه‌ای و قرار گرفتن در حاشیه کویر، خود گوپای اهمیت سیاسی این منطقه است. به طوری که تمامی این عوامل به نحوی در جغرافیای تاریخی خوسف مؤثر واقع شده است.

به لحاظ فرهنگی نیز باید اشاره کرد که خوسف به‌دلیل تشکیل روستاهای همجوار، از فرهنگ ناب روستایی فاصله زیادی نگرفته است. از جمله عوامل مؤثر در شکوفایی فرهنگی خوسف می‌توان به پاسداشت، سنت‌های بومی و آیین‌های خاص مذهبی توسط مردم منطقه اشاره کرد.

در خصوص رونق فعالیت‌های اقتصادی خوسف می‌توان به اقتصاد دیرپای آن بر کشاورزی و دامداری و وجود حرفه‌های متنوع متناسب با ظرفیت‌های طبیعی و صنعتی در منطقه اشاره کرد. خوسف در صنایع دستی از جمله قالی‌بافی، نساجی، حوله‌بافی، توبافی و سفالگری نقشی مهم در صادرات این صنایع را به خود اختصاص داده است.

منابع

۱. ابن حوقل، ابی القاسم (۱۳۴۵). *صورة الارض*. بیروت: منشورات دارالمکتبة الحیاة.
۲. احمدیان، محمدعلی (۱۳۷۴). *جغرافیای شهرستان بیرجند*. مشهد: آستان قدس رضوی، مؤسسه چاپ و انتشارات آستان قدس رضوی.
۳. احمدی بیرجندی، احمد (۱۳۷۷). *دیار آفتاب (خراسان شناسی)*. به اهتمام محمد عزیزی. تهران: روزگار.
۴. اعتماد السلطنه، محمدحسن خان (۱۳۶۷). *مرآة البلدان*، ج ۱. به کوشش عبدالحسین نوایی. تهران: دانشگاه تهران.
۵. آدمیت، فریدون (۱۳۶۲). *امیرکبیر و ایران*. تهران: امیرکبیر.
۶. استانداری خراسان جنوبی. دفتر آمار و اطلاعات (۱۳۹۱). سالنامه آماری استان خراسان جنوبی. بیرجند: استانداری خراسان جنوبی، معاونت برنامه ریزی [چاپ شده].
۷. آیتی، محمدحسین (۱۳۷۱). *بهارستان در تاریخ و تراجم رجال قاینات و قهستان*. مشهد: دانشگاه فردوسی مشهد.
۸. اعتصامالملک، میرزا خانلرخان (بی تا). *سفرنامه میرزا خانلرخان*. به کوشش منوچهر محمودی. لندن: سیر و سیاحت در ایران.
۹. باستانی پاریزی، محمدابراهیم (۱۳۶۷). *از سیر تا پیاز*. تهران: علم.
۱۰. بدیعی، ربیع (۱۳۶۷). *جغرافیای مفصل ایران*، ج ۱. تهران: اقبال.
۱۱. بلاذری، احمد بن یحیی (۱۳۶۴). *فتوح البلدان*. ترجمه آذرتاش آذرنوش. به تصحیح محمد فرزاد. تهران: علمی و فرهنگی.
۱۲. بهنیا، محمدرضا (۱۳۸۱). *بیرجند نگین کویر*. تهران: دانشگاه تهران.
۱۳. پیگولوسکایا، ن. و. (۱۳۷۲). *اعراب حد و مرزهای رم شرقی و ایران*. تهران: مؤسسه مطالعات و تحقیقات فرهنگی.
۱۴. تاریخ سیستان (۱۳۱۴). به تصحیح ملک الشعراى بهار. تهران: خاور.
۱۵. جیهانی، ابوالقاسم بن احمد (۱۳۷۴). *اشکال العالم*. ترجمه علی بن عبدالسلام کاتب. به کوشش فیروزه منصوری. تهران: علمی و فرهنگی.

۱۶. حافظ ابرو، شهاب الدین عبدالله (۱۳۷۰). *جغرافیای تاریخی خراسان در تاریخ حافظ ابرو*. به تصحیح غلامرضا ورهرام. تهران: اطلاعات.
۱۷. حموی، یاقوت (۱۳۳۳ ق.). *معجم البلدان*، ج ۲. ترجمه فرید عبدالعزیز الجندی. بیروت: دارالفکر.
۱۸. خزاعی، محمد (۱۳۶۹). *نگرشی بر مسائل جغرافیایی و آموزشی بیرجند*. بیرجند: آموزش و پرورش.
۱۹. خواندمیر، غیاث الدین هماد الدین حسینی (۱۳۶۲). *حبیب السیر فی اخبار الافراد البشر*. تهران: خیام.
۲۰. رضایی، جمال (۱۳۸۱). *بررسی گویش بیرجندی*. تهران: هیرمند.
۲۱. رضایی، عبدالعظیم (۱۳۷۲). *تاریخ ده هزار ساله ایران*. تهران: اقبال.
۲۲. ریاضی هروی، محمدیوسف (۱۳۷۲). *عین الوقایع*. به کوشش محمد آصف فکرت. تهران: دانشگاه تهران.
۲۳. سازمان هواشناسی کشور. دفتر آمار و اطلاعات (۱۳۹۳). *سالنامه هواشناسی*. به کوشش سازمان هواشناسی کشور [چاپ شده].
۲۴. سایکس، سرپرسی (۱۳۳۶). *سفرنامه ژنرال سرپرسی سایکس یا ده هزار میل در ایران*. ترجمه حسین سعادت نوری. تهران: ابن سینا.
۲۵. سپهر، محمدتقی (۱۳۷۷). *ناسخ التواریخ، تاریخ قاجاریه*. به اهتمام جمشید کیانفر. تهران: اساطیر.
۲۶. سعیدیان، عبدالحسین (۱۳۸۸). *دائرة المعارف سرزمین و مردم ایران*، ج ۱. تهران: آرام.
۲۷. فنودی، عبدالحسین (۱۳۸۳). *مرآة المکنونات فی تاریخ القاینات*. به تصحیح محمود رفیعی. تهران: هیرمند.
۲۸. گیرشمن، رنان (۱۳۴۹). *ایران قبل از اسلام*. ترجمه محمد معین. تهران: بنگاه ترجمه و نشر کتاب.
۲۹. لباف خانیکی، رجبعلی (۱۳۸۶). "سنگ نگاره لاج مزار بیرجند". سلسله مقالات پژوهشی ۱، سازمان میراث فرهنگی کشور (تابستان): ۲۳-۲۶.

۳۰. لسترنج، گای (۱۳۶۷). *جغرافیای تاریخی سرزمین‌های خلافت شرقی*. ترجمه محمود عرفان. تهران: علمی و فرهنگی.
۳۱. حدود العالم من المشرق الى المغرب (۱۳۶۲). به کوشش منوچهر ستوده. تهران: طهوری.
۳۲. مدیریت جهاد کشاورزی، واحد آمار و اطلاعات (۱۳۹۳). مدیریت جهاد کشاورزی شهرستان خوسف [چاپ شده].
۳۳. مستوفی، حمدالله (۱۳۶۲). *نزوه القلوب*. تهران: دنیای کتاب.
۳۴. مقدسی، ابوعبدالله محمدابن احمد (۱۳۶۲). *احسن التقاسیم فی معرفة الاقالیم*. ترجمه علینقی منزوی. تهران: شرکت مؤلفان و مترجمان.
۳۵. ویدن گرن، گئو (۱۳۷۷). *دنیای ایران*. ترجمه منوچهر فرهنگ. تهران: ایده.

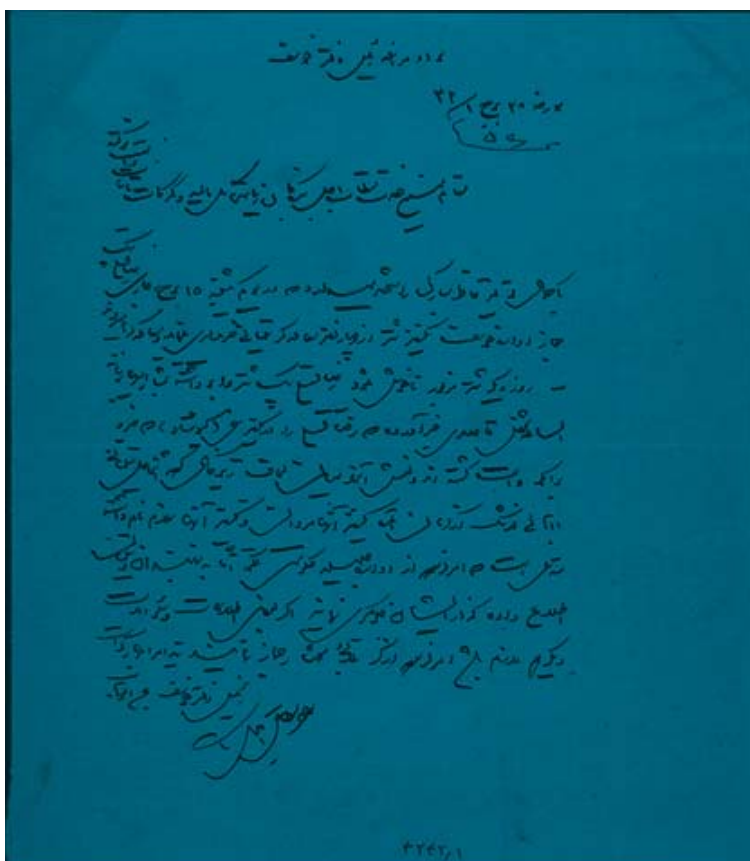
فهرست اسناد

۱. سازمان کتابخانه‌ها، موزه‌ها و مرکز اسناد آستان قدس رضوی، سند شماره، ۲۶۰۰، ۳۷۳۶/۱، ۴۲۴۲/۱، ۳۱۵۰۵/۱، ۹۴۹۰/۴، ۳۷۳۴/۱، ۸۲۶۹/۲۷.
۲. وزارت امور خارجه، مرکز اسناد، ۱۳۳۹، کارتن ۳۰، پرونده ۸/۳۷.
۳. وزارت امور خارجه، مرکز اسناد، ۱۳۳۰، کارتن ۳۰، پرونده ۶/۳۸.

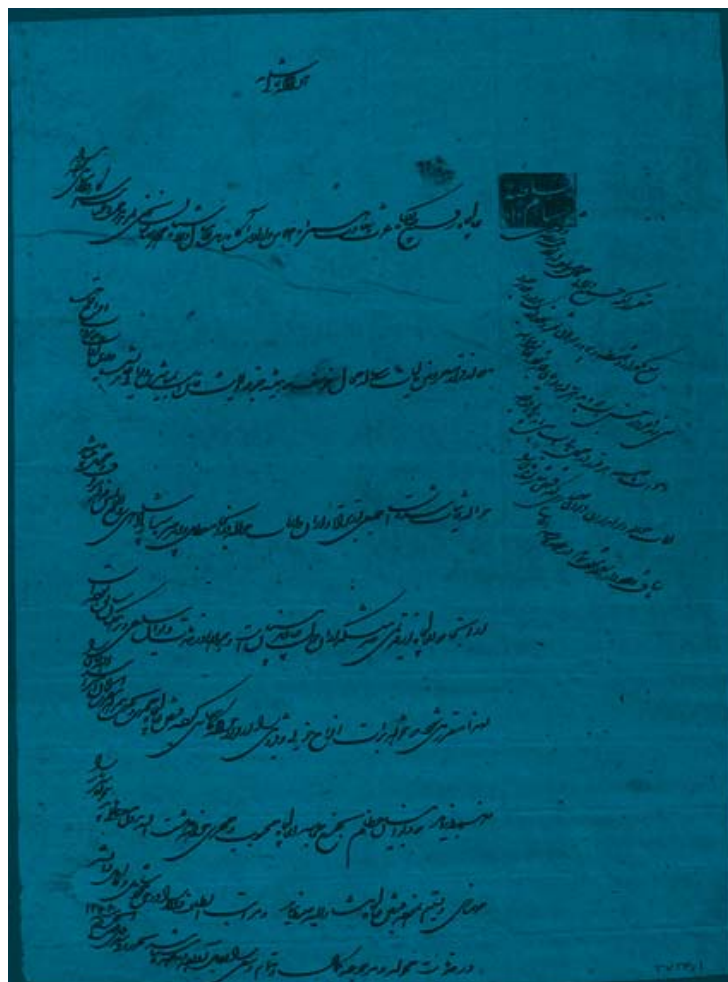
مصاحبه‌ها

۱. مصاحبه مورخه ۹۳/۲/۲۴ با آقای شیخ غلامرضا محمودی، ۸۵ ساله اهل خوسف.
۲. مصاحبه مورخه ۹۳/۲/۲۴ با آقای علی مقری، ۹۰ ساله اهل خوسف.
۳. مصاحبه مورخ ۹۳/۴/۱۴ با آقای احمد برآبادی، کارشناس اداره کل میراث فرهنگی گردشگری و صنایع دستی خراسان جنوبی.

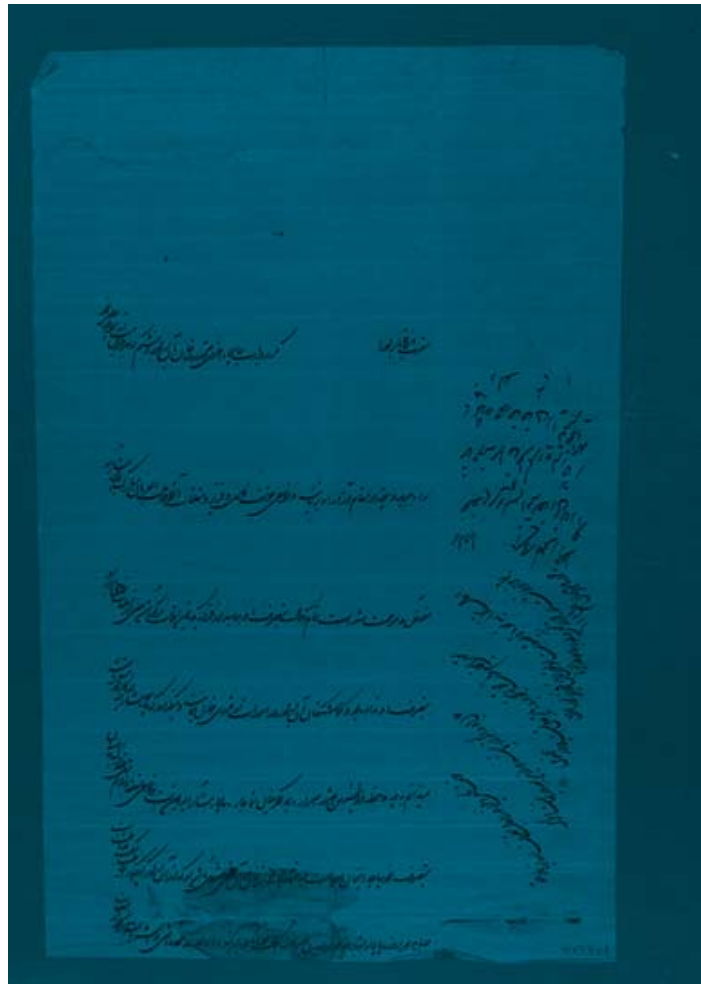
پیوست‌ها و ضامم



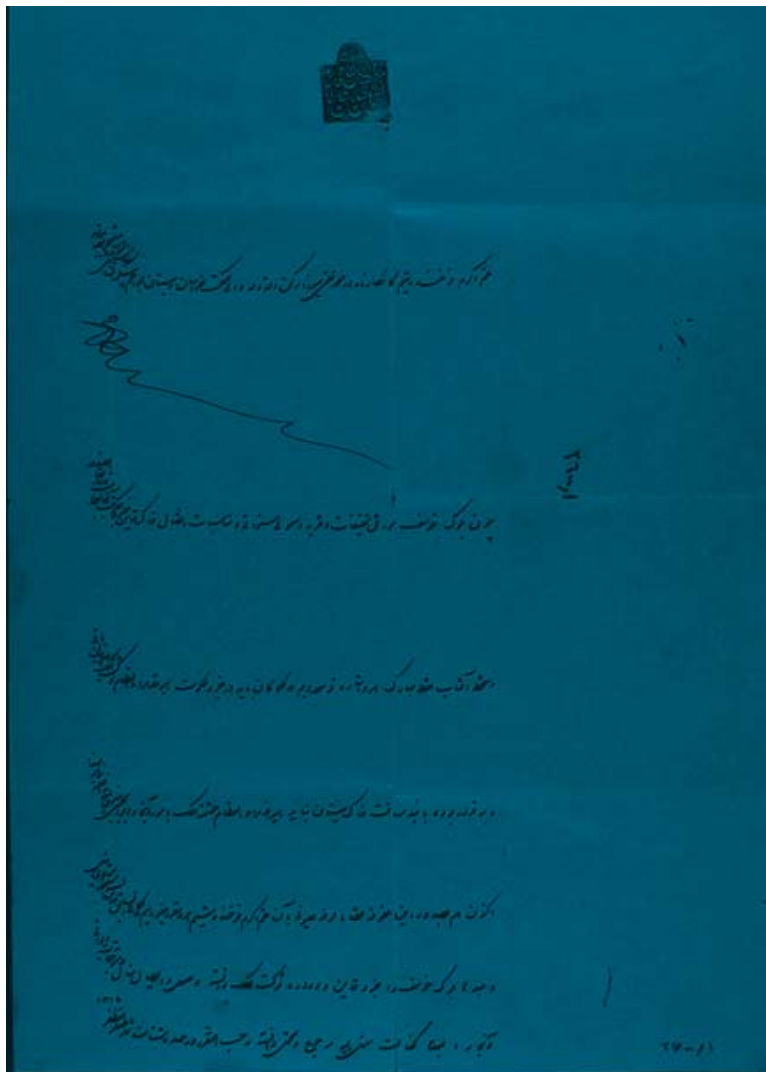
سند شماره ۴۲۴۲/۱ سازمان کتابخانه‌ها، موزه‌ها و مرکز اسناد آستان قدس رضوی ارسال گزارش‌هایی از خوسف برای رئیس کل اداره مالیه و گمرکات قاین پیرامون شورش چند نفر سیستانی در آن منطقه



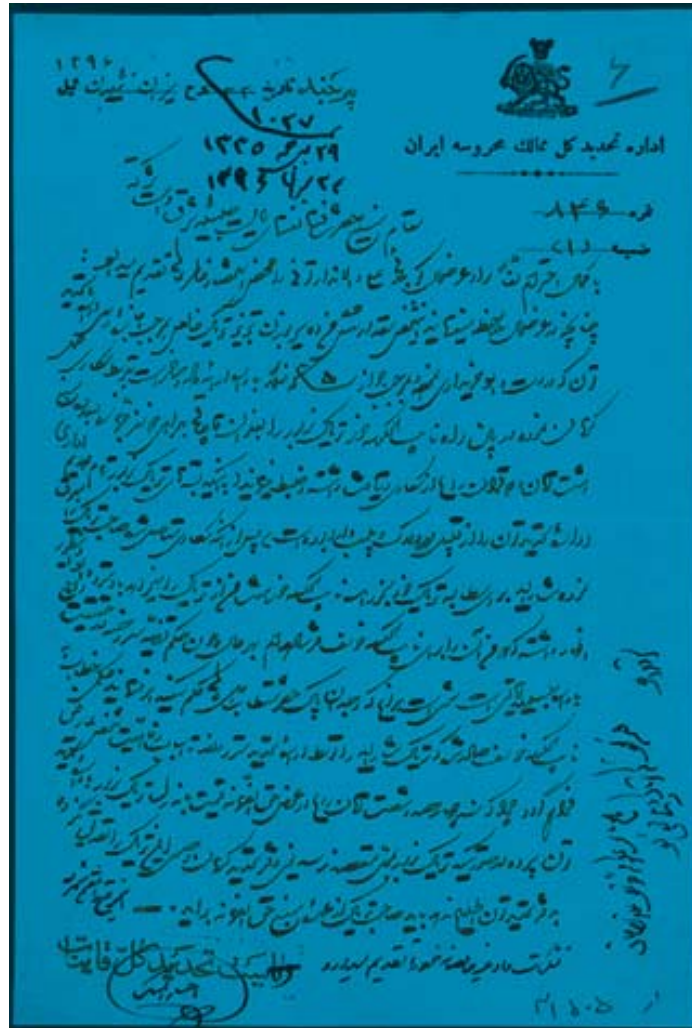
سند شماره ۳۷۳۴/۲ سازمان کتابخانه‌ها، موزه‌ها و مرکز اسناد آستان قدس رضوی
فرمان حسام السلطنه به محمدرضاخان نخعی در خصوص واگذاری مالیات سه ساله
خوسف به امیراسدالله‌خان



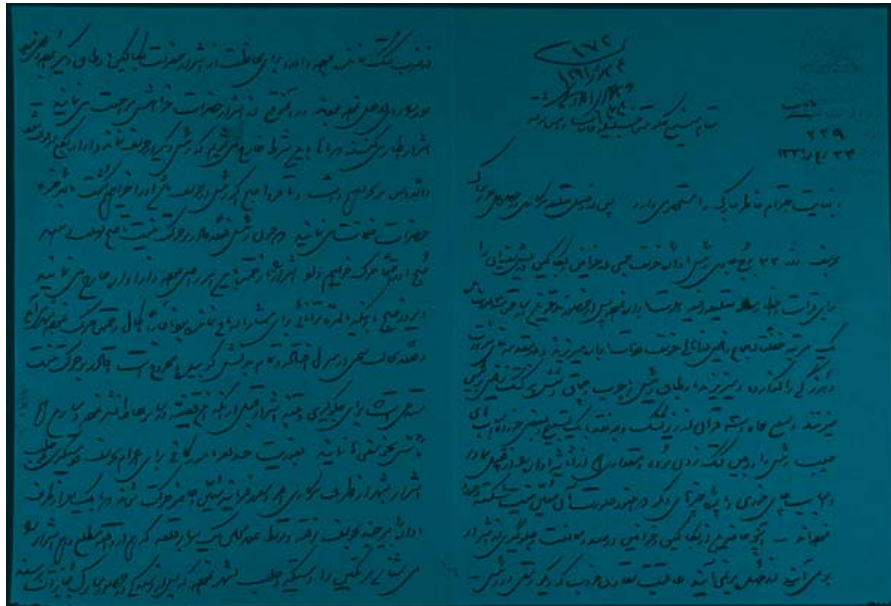
سند شماره ۳۷۳۶/۱ سازمان کتابخانه‌ها، موزه‌ها و مرکز اسناد آستان قدس رضوی
اخطار آقاخان نوری صدراعظم ایران به اسدالله‌خان حسام‌الدوله، حاکم قاینات جهت
تحويل مناطق خوسف و فریز به محمدرضاخان نخعی



سند شماره ۲۶۰۰ سازمان کتابخانه‌ها، موزه‌ها و مرکز اسناد آستان قدس رضوی
فرمان مظفرالدین شاه به والی خراسان جهت واگذاری بلوک خوسف به حکومت امیر
اسماعیل خان شوکت‌الملک



سند شماره ۳۱۵۰۵/۱ سازمان کتابخانه‌ها، موزه‌ها و مرکز اسناد آستان قدس رضوی
توقیف محموله تریاک راهزنان توسط نایب‌الحکومه خوسف



سند شماره ۹۴۹۰/۴ سازمان کتابخانه‌ها، موزه‌ها و مرکز اسناد آستان قدس رضوی
 حمله اشرا به اداره مالیات خوسف و درخواست ارسال نیرو جهت تنبیه عاملین آنها